

زبان عرفان

منا علی مددی*



زبان عرفان

دکتر علیرضا فولادی

انتشارات فراگفت، چاپ اول، ۱۳۸۷.

و عقل و اندیشه است. آنچه نویسنده در این گفتار از آن بحث کرده، آن است که آیا عرفان نوعی معرفت محسوب می‌شود یا نوعی تجربه؟ در مبحث قیاس عرفان با معرفت، از ارتباط آن با علم، منطق و دین سخن گفته شده است و تلقی‌هایی که در علم از عرفان شده نیز مورد بررسی قرار گرفته است. پس از آن به واقعیت داشتن تجربه‌های عرفانی و ویژگی‌های این نوع تجربه پرداخته شده، علاوه بر آن نویسنده موانعی را که بر سر راه بیان تجربه‌های عرفانی وجود دارند، مورد بررسی قرار داده است.

سومین عنوان فرعی این فصل «عرفان در زبان» است. در این قسمت از ارتباط میان زبان عرفان و زبان علم، نظریه‌های تصویری، تحقیقی و تحلیلی درباره آن بحث شده که نویسنده پس از بیان آن نظریه‌ها، به نقد و بررسی آنها نیز پرداخته است. پس از آن ارتباط میان زبان عرفان و زبان منطق و نظریه‌های تناقض تجربه، سوء تعبیر، ارتفاع تناقض، تفنن ادبی و منطق خاص، مورد بررسی قرار گرفته و نویسنده خود به نقد آنها نیز پرداخته است. «ارتباط میان زبان عرفان و زبان دین» نیز در این قسمت بیان شده است. در این بخش نیز، از نظریه‌هایی که در این باره وجود دارد مانند نظریه‌های شکل‌گرایانه شامل نظریه‌های تشبیهی، مجازی، تمثیلی،

تاکنون از عرفان و زبان خاص آن در کتاب‌ها و مقاله‌های بسیاری سخن رفته است. یکی از کتاب‌هایی که در این زمینه تدوین شده و به ویژگی‌های کلام عرفانی پرداخته است، کتاب «زبان عرفان» تألیف دکتر علیرضا فولادی است.

در این نوشتار به بررسی اجمالی این کتاب پرداخته خواهد شد تا خواننده دیدگاهی کلی نسبت به محتوای آن به دست آورد:

نویسنده در این کتاب به بررسی عرفان و زبان خاص آن در ادبیات منثور عرفانی پرداخته است. این کتاب در دو بخش تألیف شده که بخش اول عنوان کلی «درآمد» و بخش دوم عنوان «بررسی» را داراست. این دو بخش هر یک دو فصل دارند که هر فصل نیز دارای زیرمجموعه‌هایی است.

بخش اول: این بخش که نویسنده از آن با عنوان «درآمد» یاد کرده است، دارای دو فصل با عناوین «عرفان و زبان» و «عرفان و ادبیات» است. فصل اول خود دارای سه عنوان فرعی است. عنوان نخست «عرفان اندیشه، زبان، روش» است که در آن از انواع زبان‌ها، از جمله زبان عرفان سخن رفته است.

عنوان فرعی دوم «عرفان در اندیشه» و موضوع آن ارتباط میان عرفان

ادبیات یگانگی‌ها و بیگانگی‌هایی دارند؛ اما یگانگی‌های این دو پدیده به اندازه‌ای است که آنها را در یک رده می‌گنجانند و سپس به تحلیل این یگانگی‌ها و بیگانگی‌ها، با توجه به علت‌های چهارگانه وجودی (علت مادی، فاعلی، صوری، غایی) می‌پردازد.

گفتار دوم را نویسنده به عالم مثال و ارتباط عرفان و ادبیات با آن اختصاص داده که در آن به تعریف این عالم و چگونگی تکوین آن در فلسفه عرفانی شیخ اشراق و عرفان فلسفی ابن عربی، همچنین خصوصیات عالم مثال پرداخته است. تقسیمات عالم مثال، جایگاه انسان در این عالم و نقش خیال در صورت‌بخشی به معانی آن نیز در این گفتار مورد بررسی قرار گرفته است.

با پایان یافتن این گفتار، بخش «درآمد» به پایان می‌رسد و بخش دوم با عنوان بررسی آغاز می‌شود.

گفتار دوم: در این بخش به بررسی زبان عرفان و ویژگی‌های آن پرداخته شده است. این بخش خود شامل دو فصل است که در فصل اول، سطح تناقضی و در فصل دوم سطح محاکاتی زبان عرفان به طور دقیق و جزء جزء و با آوردن شاهد مثال‌هایی از ویژگی‌های هر یک بررسی شده است. فصل اول به بیان ویژگی‌هایی در سطح تناقضی زبان اختصاص دارد؛ این ویژگی‌ها عبارتند از: پارادوکس، حس‌آمیزی، خلاف عادت (خلاف‌آمد عادت)، تجرید، شطح، تجسیم و منجات. نویسنده در ضمن تعریف هر یک از این ویژگی‌ها به شناخت آنها، ساخت هر یک، زمینه پیدایش آنها، پیشینه و سابقه کاربرد آنها و گونه‌های آنها پرداخته است و برای هر یک نمونه‌هایی نیز ذکر کرده است.

اما فصل دوم از این بخش، به سطح محاکاتی زبان و ویژگی‌های آن اختصاص دارد. در این فصل ویژگی‌های زبان محاکاتی بیان شده‌اند؛ این ویژگی‌ها شامل تشبیه، استعاره، تمثیل، رمز و تمثیل رمزی است که در ضمن هر یک نویسنده به شناساندن آنها پرداخته است. علاوه بر آن، ساخت، زمینه پیدایش پیشینه و سابقه کاربرد آنها نیز مورد بررسی قرار گرفته است. در این فصل نیز نویسنده، نمونه‌هایی برای هر ویژگی آورده است.

با پایان یافتن این فصل، متن اصلی کتاب نیز پایان می‌گیرد. در ادامه فهرست منابع مورد استفاده در تألیف کتاب آمده است. نویسنده در تألیف این کتاب از ۲۸۹ منبع استفاده کرده است که این تعداد نشان‌دهنده غنای کار اوست.

این کتاب در مجموع ۵۱۹ صفحه است که انتشارات فراگفت در اردیبهشت ماه ۱۳۸۷ در قم آن را به چاپ رسانده است.

پی‌نوشت

* دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی.

استعاری و... و نظریه‌های نقش‌گرایانه شامل نظریه‌های احساسی، فعالیتی و... سخن رفته و نویسنده در آخر به نقد این نظریه‌ها پرداخته است. پس از آن عنوان فرعی دیگری وارد شده که به تبیین نظریه‌های دیگر در باب عرفان یعنی زمینه‌های پیدایش زبان عرفانی شامل خاطره حاصل از تجربه‌ها، تداعی معانی و تعبیر خاص از این تجربه‌ها می‌پردازد. دوبعدی بودن زبان عرفان (بعد تبیینی و بعد تأویلی) نیز در این قسمت مورد بررسی قرار گرفته و رویکردهای مختلفی که در باب تأویل کلام وجود دارند (رویکرد عرفانی، امامیه، اسماعیلیه و اخوان صفا) نیز بیان شده‌اند. علاوه بر آن تأویل عرفا از حروف مقطعه و کلمات قرآن و کلمات دیگر و تأویل حروف به طور مجزا نیز در این قسمت مورد بحث و بررسی قرار گرفته و برای هر یک مثال‌هایی نیز آورده شده است.

یکی دیگر از مباحثی که زیرمجموعه عنوان «عرفان در زبان» آمده است، بحث از سطوح مختلف زبان عرفان شامل سطح تناقضی یا شطحی، سطح محاکاتی یا رمزی و مراتب آن، سطح استدلالی یا عقلی و سطح استنادی یا نقلی است که از سابقه این دسته‌بندی در میان عرفا و دسته‌بندی‌های خاص چند تن از آنها نیز سخن رفته است. در ادامه فرضیه‌هایی که درباره چگونگی و علت بیان تجربه‌های عرفانی به زبان خاص، وجود دارند، بیان شده‌اند.

پس از آن نویسنده به این نکته اشاره کرده است که عرفا سطح محاکاتی و تناقضی زبان عرفان را ترجیح داده‌اند و برای بیان این ترجیح از اصطلاح رمز سود جسته‌اند که این تناقض‌های ذاتی رمز نیز مورد بررسی قرار گرفته است. علاوه بر آن نظریات گوناگونی که درباره بعد تبیینی زبان عرفان و سطوح محاکاتی و تناقضی آن وجود دارد، بررسی شده است. در این قسمت نویسنده نظریه‌های نفی و اثبات، سکر و ضعف قوا را در سطح تناقضی و نظریه‌های معقول و محسوس، اظهار و کتمان، غیرت، زبان خاص، جذب و ضرورت بیان را در سطح محاکاتی، تجزیه و تحلیل کرده و پس از آن به توضیح نظریه‌های ظاهر و باطن و تلاقی در بعد تأویلی زبان عرفان پرداخته شده است.

موضوع دیگری که مورد نظر نویسنده بوده است، مبانی شکل‌گیری رمز در زبان عرفانی است که در این باب نیز پنج نظریه شامل نظریه وضع اول، نظریه تجلی، نظریه توازی عوالم، نظریه عالم کبیر و عالم صغیر و نظریه عالم مثال تبیین گردیده‌اند.

فصل دوم از بخش اول، عنوان «عرفان و ادبیات» را داراست که نویسنده در آن به تبیین ارتباط میان عرفان و ادبیات پرداخته است.

این فصل خود شامل دو گفتار است. گفتار نخست با عنوان «عرفان، علل اربعه و ادبیات» به بیان پیوندی ماهوی که میان ادبیات و عرفان وجود دارد، پرداخته است و به طور کلی بر آن است تا نشان دهد که عرفان و